

یقیناً بعضی از مردم از این تصمیم (افزایش قیمت بنزین) یا نگران می‌شوند یا ناراحت می‌شوند یا به ضررشان است یا خیال می‌کنند به ضررشان است؛ به هر تقدیر ناراضی می‌شوند. لکن آتش زدن به فلان بانک، این کار مردم نیست، این کار اشرار است. این را باید توجه داشت.

امام خامنه‌ای (حفظه‌الله)

نشریه دانشجویی دانشگاه تهران | بسیج دانشجویی دانشکده حقوق و علوم سیاسی

مدیر مسئول: فاطمه امان‌گاه | سردبیر: زهرا عباسی فرد | هفته چهارم آبان ۱۳۹۸ | شماره اول

@Basij_lp

لعنت به خبری که بی موقع منتشر شود!

این روزها کشور درگیر هضم خبری ناگهانی است؛ خبری که برخی آن را پس میزنند و برخی خودشان را راضی میکنند که بپذیرند و برخی دیگر از آب گل آلود ماهی گرفته و شروع به تخریب اموال عمومی میکنند.

مسئله اصلی "طرح اصلاح مصرف سوخت" است، باتوجه به شرایط اقتصادی حاکم بر کشور و مسائلی از جمله پایین بودن قیمت بنزین نسبت به کشورهای اطراف و افزایش میزان قاچاق، کسری جدی بودجه دولت، بالارفتن میزان مصرف سوخت و دلایلی از این قبیل، میتوان بالا بردن نرخ بنزین را منطقی دانست اما نکته ای که مطرح است این است که برای پایین آمدن میزان مصرف سوخت، کشور نیازمند یک سیستم حمل و نقل قوی و منظم میباشد اما باتوجه به جمعیت کشور میزان وسایل نقلیه عمومی بسیار کم است و در برخی بخش ها کیفیت آن هم نسبتاً پایین است؛ در این میان روحیه مردم هم باید در نظر گرفته شود. نکته دیگر این است که در یک شرایط اجتماعی نسبتاً آرام که جامعه ایران توانست بعد از گذر از آشوب افزایش قیمت ها و پایین آمدن قدرت خرید و افزایش بی سابقه نرخ ارز خودش را پیدا کند، حالا که دولت دوباره نیازمند این است که دستش جلوی مردم دراز کند، حداقل کاری که می توانست انجام دهد این بود که با دلایل منطقی مردم را اقناع کرده و به آنها فرصت دهد که بتوانند مسئله را درک کنند. سوال ما این است چرا وقتی از وزیر نفت میپرسند آیا قرار است قیمت بنزین افزایش پیدا کند به دروغ پاسخ اش منفی است؟ چرا برای طرحی که زندگی مردم را تحت الشعاع قرار میدهد، یک برنامه ریزی روانی انجام نشده؟ و سوال دیگر این است که چرا با وقاحت جلوی دوربین میگوید تا جایی که مردم بتوانند تحمل کنند قیمت هم بالا میرود؟ اینها درکی از قشر ضعیف جامعه دارند؟ برای تمام اقشار مردم این روزها سخت است که بتوانند سه برابر شدن قیمت بنزین را هضم کنند؛ مردمی که سالها در یک کشور دولت محور زندگی کرده اند حالا بدون آمادگی ذهنی آنها را وارد بازار میکنند با شرایطی که تعداد قابل توجهی از مردم هیچ قدرت خریدی هم ندارند. شاید تا حدی بتوانیم با عینک اقتصادی مسئله را برای خودمان حل کنیم اما در اینکه دولت موظف است که مردم را اقناع کند و به آنها توضیح دهد هیچ شکی نیست. حداقل انتظاری که میتوان داشت این است که قبل از این مسئله به مردم دروغ نگویند و وقت مبارکشان را بگذارند و در یک نشست خبری مشروح جریان را توضیح دهند. و اما در بحث کمک به مستضعفین از این درآمد، آقای نوبخت می گوید یک ریال از این پول به خزانه نمیرود و تماماً به جیب مستضعفین برمیگردد. با حرفها و اعمال ضد و نقیض دولت، بگویید مردم چگونه باید به شما اعتماد کنند؟

باتوجه به شرایط ملتهب فعلی نمیتوان تحلیل دقیقی ارائه داد اما از جنبش دانشجویی انتظار می رود پا فراتر از دانشگاه بگذارد، مسئله را دقیق بررسی کرده و به شرح راه حل مسئله بپردازد.

فاطمه امان گاه

توجیه بس است؛ کمی عبرت

حسن روحانی در مراسم شروع عملیات اجرایی طرح توسعه فولاد بافت در کرمان گفت: «پیامبر با کفار پیمان می بست و وقتی کفار پیمان را می شکستند دوباره با آن ها پیمان می بست. کسی که پیمان می شکند ضرر می کند نه کسی که پای پیمان می ایستد.»

این اولین باری نیست که رئیس جمهور برای توجیه سیاست های خود از سیره معصومین (ع) آن هم با تحریف مسلمات تاریخ اسلام مایه می گذارد.

بر همین اساس، این اظهارات رئیس جمهور با واکنش های بسیاری از سوی تاریخ دانان و علمای حوزه مواجه شد.

محمدحسین رجیبی دوانی مورخ و پژوهشگر تاریخ اسلام در این باره می گوید:

«ظاهراً منظور ایشان اشاره به آیه ۵۶ سوره انفال دارد که خدا می فرماید {الذین عاهدت منهم ثم ینقضون عهدهم فی کل مره و هم لا یتقون} یعنی کسانی از آنان که با آنان عهد بستند، عهد خود را در هر مرتبه می شکنند و راه تقوا نپیمایند. این آیه به گفته همه مفسران درباره یهودان مدینه است. پیامبر بزرگوار اسلام هنگام ورود به مدینه با سه طایفه یهود (بنی قینقاع، بنی نضیر و بنی قریظه) پیمان همزیستی امضا فرمودند ولی هر کدام از این ها یک نوبت پیمان خود را با پیامبر نقض کردند و با همان یک مورد، پیامبر (ص) پیمان را کان لم یکن اعلام کرد و با آن ها مقابله کرد. در مجموع این یهودیان سه بار عهد خود را شکستند نه اینکه یک طایفه با پیامبر عهد بسته باشد و این ها هر دفعه پیمان خود را بشکنند. در این آیه هیچ اشاره ای به این نیست که پیامبر مجدداً با آن ها پیمان بسته باشد. اینجا اشاره می کنند که دشمنان هر بار عهد خود را شکستند و از خیانت و پیمان شکنی ابا ندارند.» همچنین ایشان با اشاره به آیه ۵۸ سوره انفال، اضافه کرد: «خدا تکلیف پیامبر و مسلمانان را در برابر این دشمنان پیمان شکن مشخص می کند، آنجا که می فرماید: {و اما تخافن من قوم خیائنه فانبذ الیهم علی سواء ان الله لایحب الخائنین} یعنی چنانچه از خیانتکاری گروهی از معاهدین خود سخت می ترسی در این صورت تو نیز با حفظ عدل و درستی عهد آن ها را نقض کن و پیمان را به سوی آن ها پرتاب کن.» آیت الله حسن ممدوحی عضو سابق مجلس خبرگان رهبری و عضو جامعه مدرسین حوزه علمیه قم نیز اظهار داشت: «این سخنان چیزی جز تحریف وقایع و گناه نیست.» تکرار تاریخ یک اصل مهم است؛ رنگ های زندگی عوض می شود، روش های زندگی عوض می شود اما پایه های اصلی زندگی و جبهه بندی های اصلی بشر تغییری پیدا نمی کند. گذشته برای ما یک وسیله و آینه ی عبرتی است تا راه آینده مان را هموار کنیم. با تمام این ها، تطابق تاریخ معاصر ایران با تاریخ صدر اسلام نیازمند فهم عمیق از مسائل دینی و سیره پیامبر است؛ زیرا اضافه کردن هر نکته ای به دین بر خلاف مسلمات قرآن و سیره ذوات مقدسه، گناهی است نابخشودنی، خصوصاً وقتی در جهت توجیه عملکرد ناموفق خود در برابر مردم باشد! اما در سال های اخیر به کثرت شاهد اینگونه تطابق ها از سوی برخی از دولتمردان بوده ایم. ولی ای کاش به جای توجیه رفتار خود به وسیله تاریخ، از آن عبرت بگیریم. به ویژه آقای روحانی که بارها برجام را به صلح حدیبیه نسبت داده اند، خوب است بدانند پیامبر اگر در حدیبیه صلح کردند، قریب دو سال بعد مکه را فتح کردند؛ ایشان قرار است بعد از برجام کجا را فتح کنند؟!

فرزانه جعفری

رد پای آمریکا در هنگ کنگ

منطقه خودمختار هنگ کنگ (تحت کنترل چین) که به خاطر مرکزیت آن در بازارهای مالی و اقتصادی جهان معروف است این روزها دستخوش ناآرامی‌های سیاسی و اعتراضات خیابانی شده است. هنگ کنگ از سال ۱۸۴۲ تا ۱۹۹۷ تحت سیطره بریتانیا بود اما در سال ۱۹۹۷ و پس از پایان یافتن پیمان پیشین با بریتانیا با فرمول "یک کشور و دو سیستم" به جمهوری خلق چین پیوست. این منطقه بیش از ۷ میلیون نفر جمعیت دارد و یکی از مراکز مهم مالی در منطقه شرق آسیا و جهان به شمار می‌رود.

از یک ماه پیش، مردم این منطقه خودمختار در اعتراض به پیشنهاد لایحه‌ای در زمینه استرداد مجرمین و متهمین دست به اعتراض زدند. این اعتراض‌ها به خشونت گرایید و پلیس ضد شورش برای جلوگیری از حمله معترضان به پارلمان، ساختمان آن را احاطه کرد. بهانه معترضان برای مخالفت با این لایحه این است که معتقدند تصویب این لایحه در پارلمان، باعث محدود شدن حمایت‌های حقوقی و آزادی‌های مدنی خواهد شد، مسائلی که هنگ کنگی‌ها می‌گویند برخلاف قول و قرارهای پکن در زمان الحاق این منطقه به چین است. در حالیکه به نظر می‌رسد خواسته معترضان محقق شده است و با وجود عقب نشینی حاکمیت هنگ کنگ از تصویب این لایحه و تصمیم به تعلیق آن به صورت نامحدود، معترضان همچنان به اعتراضات خود ادامه می‌دهند. علت ادامه اعتراضات نیز درخواست برای لغو کامل این لایحه و همچنین شروع یک تحقیق در زمینه استفاده پلیس هنگ کنگ از زور علیه معترضان و عذرخواهی دولت از بروز خشونت‌ها علیه معترضان است.

رویتز گزارش داد علت ادامه تظاهرات درخواست کناره گیری کری لام (فرماندار هنگ کنگ) از قدرت است. اما این همه ماجرا نیست. یکی از نکات مهم این اعتراضات که یک طرف آن دولت چین است، حمایت آمریکا از تظاهرات خیابانی است.

پکن ضمن محکوم کردن اعتراضات در هنگ کنگ، آمریکا را به مداخله در امور داخلی این کشور متهم کرد. وزارت خارجه چین با گرفتن انگشت اتهام به سمت واشنگتن نسبت به مداخله آمریکا در امور چین و هنگ کنگ هشدار داد و در واکنش به مداخلات آمریکا، «ربرت فوردن» نفر دوم سفارت آمریکا را احضار کرد.

با توجه به تنش‌های موجود در روابط آمریکا و چین و رویکرد خصمانه دونالد ترامپ در قبال پکن، می‌توان رد پای آمریکا را در اعتراضات هنگ کنگ مشاهده کرد.

اگر چه تصور می‌شد با اعلام تعلیق لایحه استرداد مجرمین، علت اصلی اعتراضات از بین رفته است و تظاهرات ادامه پیدا نخواهد کرد، اما معترضان همچنان به تظاهرات خیابانی خود ادامه دادند. در حالیکه حتی یک روز تنش به هنگ کنگ به عنوان یک مرکز مالی مهم ضرر هنگفتی وارد می‌کند، این پافشاری نشان می‌دهد که برخی از رهبران معترضان با عوامل بیرونی در ارتباط بوده و با حمایت آنها قصد دارند اوضاع هنگ کنگ را همچنان تنش آلود نگه دارند. چرا که تنش در هنگ کنگ بازارهای مالی چین را نیز دستخوش ضرر و زیان خواهد کرد. این موضوع بیش از همه به سود آمریکا به عنوان اصلی‌ترین رقیب اقتصادی چین است.

علاوه بر این، آمریکا طی ماههای گذشته زنجیره‌ای از اقدامات سیاسی و امنیتی را برای به دردر انداختن چین در منطقه شرق و شمال شرقی آسیا طراحی و پیاده کرده است. به عنوان مثال از اسفند ماه سال گذشته تا امروز، آمریکایی‌ها علیرغم هشدارهای چین بارها ناوهای جنگی خود را به آبهای مورد مناقشه چین با کشورهای همسایه در دریای چین اعزام کرده‌اند. براساس آمارهای منتشر شده، حدود یک سوم حمل و نقل تجاری جهان از طریق دریای چین جنوبی صورت می‌گیرد و آمریکا با به چالش کشیدن چین در این منطقه تلاش می‌کند کنترل آن را از دست چین خارج کند.

در حالیکه تنش در روابط دو کشور در اوج بود، سفیر آمریکا در پکن برای اولین بار به منطقه تبت سفر کرد. منطقه تبت به دلیل حضور جدایی طلبان مورد حمایت دالایی لاما (از رهبران بودایی جهان) همواره از خطوط قرمز امنیتی چین محسوب می‌شود. رویتز نوشت: «این سفر به دنبال تصویب قانونی توسط آمریکا در ماه دسامبر سال گذشته میلادی رخ داد که از اعطای ویزا به مقامات چینی متهم به اعمال سیاست‌های محدودکننده دسترسی خارجی‌ها به تبت، خودداری کند». چین تصویب این قانون را قویا محکوم کرده است.

علاوه بر اینها، آمریکاییها طی یکی دو سال گذشته در زمینه تایوان به مجموعه اقداماتی دست زده اند که با سیاست چین واحد کاملا در تضاد بوده است. جیمی کارتر رئیس جمهور وقت آمریکا در سال ۱۹۷۹ با قطع روابط با تایوان بر سیاست «چین واحد» تاکید

کرده بود و از آن زمان سیاست رسمی آمریکا شد اما در دولت ترامپ، مقامات آمریکایی برای اولین بار با نقض این سیاست با مقامات تایوانی دیدار و گفتگو کردند. بر اساس گزارش وزات خارجه آمریکا، «دیوید لی»، دبیرکل امنیت ملی تایوان در آمریکا با جان بولتون، مشاور وقت امنیت ملی آمریکا ملاقات و گفت‌وگو کرده بود.

در همین زمان آمریکا در اقدامی غیرمعمول دو ناوشکن موشک انداز خود را نیز از تنگه تایوان عبور داد و دو هفته بعد نیز چند مقام آمریکایی اعلام کردند که واشنگتن قصد دارد ۲ میلیارد دلار سلاح و تجهیزات نظامی به تایوان بفروشد؛ اقداماتی که شدیداً با اعتراض چین مواجه شد و خود آمریکا نیز می‌داند که چنین اقداماتی خشم مقامات چینی را به دنبال دارد.

به این مسائل باید جنگ تجاری آمریکا علیه چین که هر روز ابعاد پیچیده‌تری به خود می‌گیرد را نیز اضافه کنیم. در تازه‌ترین دور جنگ تجاری بین چین و آمریکا بر سر افزایش تعرفه‌ها، چین گفته است قصد دارد تعرفه‌های بیشتری بر صادرات کالاها از آمریکا اعمال کند. کالاهایی با ارزش ۶۰ میلیارد دلار دستخوش این تصمیم خواهد شد. چین می‌گوید که از اول جولای بیش از ۵ هزار کالای آمریکایی طبق تعرفه‌های جدید خواهد بود.

این اقدام چین در پی تصمیم دونالد ترامپ در ۲۰ اردیبهشت صورت گرفت که بنا به آن، عوارض گمرکی کالاهایی با ارزش بیش از دو بیست میلیارد دلار افزایش خواهد یافت. ترامپ پیش از این نیز روی ۳۰۰ میلیارد دلار از کالاها و خدمات وارداتی از چین تعرفه ۱۰ تا ۲۵ درصدی وضع کرده بود.

به جرأت می‌توان گفت که مجموعه اقدامات ضد چینی فوق از سوی واشنگتن بی ارتباط با هم نیستند و مواضع دولت ترامپ علیه پکن طی چند سال گذشته قطعه ای از یک پازل بزرگتر در مجموعه سیاست‌گذاریهای آمریکا علیه چین است و کلید زدن اعتراضات خیابانی در هنگ کنگ، که یکی از مناطق حیاتی اقتصاد چین است، را هم می‌توان در قالب همین پازل ارزیابی کرد.

زهرا عباسی فرد

امام خامنه ای:

نامنی بزرگترین مصیبت برای هر کشوری است این ها قصدشان این است شما ملاحظه کنید در این دو روز تقریباً یعنی دوشب و یک روزی که از این قضایا گذشته همه ی مراکز شرارت دنیا علیه ما این کارها را تشویق کردند، از خانواده ی منحوس خبیث پهلوی تا مجموعه ی خبیث و جنایتکار منافقین این ها دارند مرتباً در فضای مجازی و در جاهای دیگر دارند تشویق و ترغیب میکنند که این شرارت ها انجام گیرد. من عرضم این است هیچ کس به این اشرار کمک نکند، هیچ انسان عاقل و شایسته ای که به کشور خود علاقه مند است، به زندگی راحت خودش علاقه مند است، به این ها نباید کمک کنند این ها اشرار اند، این کارها کار مردم معمولی نیست.

مسئولین هم البته دقت کنند و مواظبت کنند هر چه ممکن است از مشکلات این کار کم کنند.